



mtarbiat.ir

مبانی تربیت و رشد اسلامی

مستندات جلسه هفتاد و دوم

موضوع:

سبک زندگی از دیدگاه مقام معظم رهبری

و نسبت آن با دوره تربیت و رشد اسلامی (۲)

بیست و هشتم بهمن ماه ۱۴۰۳

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

بیانیه گام دوم و سبک زندگی

گام دوم و سرفصلها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه
خوش‌بینانه به آینده

یک) علم و پژوهش

دو) معنویت و اخلاق

سه) اقتصاد

چهار) عدالت و مبارزه با فساد

پنج) استقلال و آزادی

شش) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

هفت) سبک زندگی

سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامیگذارم
و به همین جمله اکتفا میکنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی
غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی
به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و
هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است.

قدرت مَلّی و سبک زندگی

سبک زندگی سلاح مؤثر تبیین

مفهوم پیشرفت در منطق اسلامی

عرصه‌های پیشرفت

یک. فکر

دو. علم

سه. زندگی

چهار. معنویت

مسائل محتوای اسلامی پیشرفت

یک. توحید

دو. معاد

سه. عدم تفکیک دنیا و آخرت

بعد مسئله‌ی عدم تفکیک دنیا و آخرت است؛ «الدّنيا مزرعةُ الآخرة»، (ارشاد القلوب: ج ۱، ص ۸۹) که به نظر بعضی از دوستان هم اشاره کردند؛ این خیلی مهم است.

دنیا و آخرت از هم جدا نیستند. آخرت ما آن روی سگّه‌ی دنیای ما است. «وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»؛ (توبه/۴۹) کافر همین حالا در جهنّم است، منتها جهنّمی که او نمیفهمد که الان در جهنّم است؛ بعد که این تجسّم پیدا کرد، میفهمد. «ای دریده پوستین یوسفان / گرگ برخیزی از این خواب گران». الان او گرگ است، منتها احساس گرگی نمیکند. ما هم که چشممان بسته است، او را گرگ نمی‌بینیم؛ اما وقتی که از خواب بیدار شدیم، می‌بینیم این گرگ است.

پس پیوستگی دنیا و آخرت به این معنا است. این جور نیست که حالا مثلاً فکر کنیم دنیا مثل بلیت‌های بخت‌آزمایی است؛ نه، اصلاً آخرت آن روی این دنیا است، آن روی این سگه است.

چهار. انسان

مسئله‌ی دیگر، مسئله‌ی انسان است؛ نگاه اسلام به انسان، محور بودن انسان. این موضوع در اسلام خیلی معنای وسیعی دارد. خوب، پیدا است انسان اسلامی با انسانی که در فلسفه‌های مادی غرب و پوزیتیویسم قرن نوزده و اینها مطرح است، بکلی متفاوت است؛ این یک انسان است، آن یک انسان دیگر است؛ اصلاً تعریف این دو انسان یکی نیست. لذا محور بودن انسان هم در اسلام با محور بودن انسان در آن مکاتب مادی بکلی متفاوت است.

انسان، محور است. همه‌ی این مسائلی که ما داریم بحث میکنیم: مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی امنیت، مسئله‌ی رفاه، مسئله‌ی عبادت، برای این است که فرد انسان سعادت‌مند شود. اینجا مسئله‌ی سعادت و مسئله‌ی عُقبی متعلق به فرد است؛ نه به این معنا که انسان از حال دیگران غافل باشد، برای آنها کار نکند؛ نه، «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا». (مأئده/۳۲) در روایت هست که معنای این جمله را از امام پرسیدند، فرمود: تأویل اعظم آن این است که تو کسی را هدایت کنی. معلوم است که هدایت وظیفه‌ی همه است؛ لیکن در نهایت آن چیزی که از نگاه اسلام برای انسان مطرح است و اهم است، نجات خودش است. ما باید خودمان را نجات دهیم.

نجات ما به این است که به وظایفمان عمل کنیم؛ که البته آن وقت وظایف اجتماعی، استقرار عدالت، ایجاد حکومت حق، مبارزه‌ی با ظلم، مبارزه‌ی با فساد، اینها همه جزو مقدمات همان نجات است.

بنابراین اصل این است. همه چیز مقدّمه است؛ جامعه‌ی اسلامی هم مقدّمه است؛ عدالت هم مقدّمه است. اینکه در قرآن کریم هست که «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵) - که به عنوان هدف انبیا ذکر شده - قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان؛ این بایستی مورد توجه باشد.

انسان موجودی است مکلف، مختار و مواجه با هدایت الهی - «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ. وَ لِسَاناً وَ شَفَتَيْنِ. وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (بلد/۸-۱۰) - میتواند هدایت را انتخاب کند، میتواند ضلالت را انتخاب کند.

انسان موجودی است متعهّد، برای خود، برای جامعه، برای اهل. آن وقت با این نگاه، مردم سالاری علاوه بر اینکه برای مردم یک حق است، یک تکلیف هم میشود؛ یعنی همه‌ی مردم در امر حکومت جامعه مسئولند. نمیشود گفت که آقا به من مربوط نیست؛ نه، صلاح و فساد کشور، حکومت، اینها به یکایک انسانها مرتبط است؛ یعنی انسان در مقابل آن متعهّد است.

پنج. حکومت

مسئله‌ی بعد، مسئله‌ی حکومت است؛ که باز در این باب هم اسلام نظرات ویژه‌ای دارد. صلاح فردی در امر حکومت در اسلام، یک امر بسیار مهم و اساسی است. هر کسی به هر اندازه‌ای از مدیریت که میخواهد مباشرت کند، بایستی صلاحیت آن را در خودش به وجود بیاورد یا در خودش ببیند و بپذیرد؛ بدون این، عمل نامشروعی انجام داده. عدم عُلو، عدم اسراف، عدم استتثار، مسئله‌ی مهمی در امر حکومت است. خداوند درباره‌ی فرعون میفرماید: «كَانَ عَلِيّاً مِنَ الْمُسْرِفِينَ»؛ (دخان/۳۱) یعنی گناه فرعون این است: عالی است.

بنابراین برای حاکم، عُلو و استعلاء یک نقطه‌ی منفی است؛ نه خود او حق دارد استعلاء کند، نه اگر اهل استعلاء است، حق دارد قدرت را قبول کند، نه مردم اجازه دارند که او را به‌عنوان حاکم و امام جامعه بپذیرند.

استثثار یعنی همه چیز را برای خود خواستن؛ در مقابل ایثار است. ایثار یعنی همه چیز را به نفع دیگران از خود جدا کردن، استثثار یعنی همه چیز را به نفع خود از دیگران جدا کردن. عُلو و استعلاء و استثثار جزو نقاط منفی حکومت است.

شش. عدالت

مسئله‌ی عدالت، بسیار مهم است. یکی از ارکان اصلی این الگو باید حتماً مسئله‌ی عدالت باشد. اصلاً عدالت معیار حق و باطل حکومتها است. یعنی در اسلام اگر چنانچه شاخص عدالت وجود نداشت، حقانیت و مشروعیت زیر سؤال است.

هفت. نگاه غیرمادی به اقتصاد

مسئله‌ی دیگر، نگاه غیرمادی به اقتصاد است. بسیاری از این مشکلاتی که در دنیا پیش آمده، به‌خاطر نگاه مادی به مسئله‌ی اقتصاد و مسئله‌ی پول و مسئله‌ی ثروت است. همه‌ی این چیزهایی که دوستان از انحرافهای غرب و مشکلات فراوان و مسئله‌ی استثمار و استعمار و اینها ذکر کردند، به‌خاطر این است که به پول و به ثروت نگاه ماده‌گرایانه وجود داشته. میتوان این نگاه را تصحیح کرد.

اسلام برای ثروت اهمّیت قائل است، اعتبار قائل است. تولید ثروت در اسلام مطلوب است؛ منتها با نگاه الهی و معنوی. نگاه الهی و معنوی این است که از این ثروت برای فساد، برای ایجاد سلطه، برای

اسراف نباید استفاده کرد؛ از این ثروت بایستی برای سود جامعه بهره برد.

پیشرفت و سبک زندگی

در جمع جوانان خراسان شمالی؛ ۱۳۹۱/۷/۲۳

بحثی که امروز میخواهم برای شما جوانهای عزیز عرض کنم، در توضیح و تبیین مسئله‌ای است که روز اول [در جمع مردم بجنورد] مطرح کردم: مسئله‌ی پیشرفت.

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن - اینها عبارةً اخرای یکدیگر است - این یک بُعد مهم است؛ این موضوع را میخواهیم امروز یک قدری بحث کنیم.

ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است...

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید.

آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهائی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است.

البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه ی سیاست، هم در زمینه ی مسائل علمی، هم در زمینه ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه ی اختراعات - که شما حالا اینجا نمونه اش را ملاحظه کردید و این جوان عزیز برای ما شرح دادند - و از این قبیل، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری، علی رغم فشارها و تهدیدها و تحریمها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است.

اما بخش حقیقی، آن چیزهائی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل

۱. مسئله ی خانواده،

۲. سبک ازدواج،

۳. نوع مسکن،

۴. نوع لباس،

۵. الگوی مصرف،

۶. نوع خوراک،

۷. نوع آشپزی،

۸. تفریحات،

۹. مسئله ی خط،

۱۰. مسئله‌ی زبان،
۱۱. مسئله‌ی کسب و کار،
۱۲. رفتار ما در محل کار،
۱۳. رفتار ما در دانشگاه،
۱۴. رفتار ما در مدرسه،
۱۵. رفتار ما در فعالیت سیاسی،
۱۶. رفتار ما در ورزش،
۱۷. رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست،
۱۸. رفتار ما با پدر و مادر،
۱۹. رفتار ما با همسر،
۲۰. رفتار ما با فرزند،
۲۱. رفتار ما با رئیس،
۲۲. رفتار ما با مرئوس،
۲۳. رفتار ما با پلیس،
۲۴. رفتار ما با مأمور دولت،
۲۵. سفرهای ما،
۲۶. نظافت و طهارت ما،
۲۷. رفتار ما با دوست،
۲۸. رفتار ما با دشمن،
۲۹. رفتار ما با بیگانه؛

اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است. تمدن نوین اسلامی - آن چیزی که ما می‌خواهیم عرضه کنیم - در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل میشود؛ اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل

معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه‌ی این عرصه‌ی وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصیل و مهم ما ابوابی وجود دارد به نام «کتاب العشرة»؛ آن کتاب العشرة درباره‌ی همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست.

خب، میشود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را، بخش‌های سخت‌افزاری به حساب آورد.

رستگاری و پیشرفت در سبک زندگی

اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفتهائی که در بخش اول کردیم، نمیتواند ما را رستگار کند؛ نمیتواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته. در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسانها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و پوچی هست؛ با اینکه ثروت هست، بمب اتم هست، پیشرفتهای گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست.

ضرورت آسیب‌شناسی عدم پیشرفت در سبک زندگی

اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟

بعد از آنکه علتها را پیدا کردیم، آن وقت بپردازیم به این که چگونه

میتوانیم اینها را علاج کنیم. اینها به عهده‌ی کیست؟ به عهده‌ی نخبگان - نخبگان فکری، نخبگان سیاسی - به عهده‌ی شما، به عهده‌ی جوانها. اگر در محیط اجتماعی ما گفتمانی به وجود بیاید که ناظر به رفع آسیبها در این زمینه باشد، میتوان مطمئن بود با نشاطی که نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دارند، با استعدادی که وجود دارد، ما در این بخش پیشرفتهای خوبی خواهیم کرد؛ آن وقت درخشندگی ملت ایران در دنیا و گسترش اندیشه‌ی اسلامی ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران در دنیا آسانتر خواهد شد. باید آسیب‌شناسی کنید و بعد علاج کنید.

نخبگان موظفند، حوزه موظف است، دانشگاه موظف است، رسانه‌ها موظفند، تربیون‌دارها موظفند؛ مدیران بسیاری از دستگاه‌ها، بخصوص دستگاه‌هایی که با فرهنگ و تربیت و تعلیم سروکار دارند، موظفند؛ کسانی که برای دانشگاه‌ها یا برای مدارس برنامه‌ریزی آموزشی میکنند، در این زمینه موظفند؛ کسانی که سرفصلهای آموزشی را برای کتابهای درسی تعیین میکنند، موظفند. اینها همه یک وظیفه‌ای است بر دوش همه. باید ما همگی به خودمان نهیب بزنیم. در این زمینه باید کار کنیم، حرکت کنیم.

مدرسه تربیت و رشد اسلامی

mtarbiat.ir